

نقل از ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

## "حزب کمونیست کارگری ایران" و دلسوزی برای صهیونیسم

"آنگونه که منصور حکمت دیرکل جوان و پر انرژی حزب برشمرده است، برنامه‌های سیاسی و اقتصادی حزب هرگز در هیچ جایی قبلاً تجربه نشده است، لذا آدم نمی‌تواند مطمئن باشد که آیا قابل اجراء هستند یا نه. آنچه که حزب در جستجو است خیلی شبیه به کار در Kibbutz (کیبوتس، مزرعه اشتراکی اسرائیل) از همان زمان شروع در اسرائیل است...".

"کشورهای عربی را در نظر بگیریم، بیشتر آنها، اگر نه همه‌شان، فاسد، دیکتاتور، غاصب، غیر دموکراتیک و مرتجع هستند. مشکل اساسی ما با اسرائیل این است که کشور بر اساس مذهب بنا شده است...".

از نقطه نظر سیاسی، اسرائیل مدرن‌تر، دموکراتیک‌تر، غربی‌تر است. اگر زندانهای مخصوصی دارد، ولی امکان اعتراض و انتقاد هم در آنجا هست چیزی که فکر نمی‌کنم در زندانهای شاه حسین و یا شاه فهد امکان داشته باشد". (مستخرج از مصاحبه صفا حائری با منصور حکمت).

حتماً آقای مصطفی صابر را می‌شناسید. سخنان ایشان در نشریه بی‌بو و خاصیت (جوانان کمونیست شماره ۱۲۸ مورخ ۲۱ بهمن ۱۳۸۲) شایان توجه فراوان است. ایشان شخصیت حزبی کوچکی نیست. عضو کمیته مرکزی "حزب کمونیست کارگری ایران" و از باران نزدیک منصور حکمت و عضو دفتر سیاسی این حزب است. از این مقام نمی‌توان انتظار داشت که از روی "بخار معده" حرف بزند. تراوشات مغزیش تراوشات افکار حزبی است و لذا ما این اجازه را به خود می‌دهیم که نظریات ایشان را به عنوان نظریات ارتجاعی حزبی به نقد بکشیم و ماهیت ارتجاعی این جریان خطرناک را برای همه مردم ایران و احزاب بردار نشان دهیم.

اخیراً کنگره یهودیان آمریکا به اتحادیه اروپا حمله کرد که این اتحادیه میدان را برای یهودی ستیزان باز گذاشته است و به آنها امکان داده که بر علیه صهیونیستهای اسرائیل اظهار نظر کنند. محافل صهیونیستی در آمریکا و اروپا فعال شدند تا اتحادیه اروپا را به چرخش در سیاست عمومی خویش در برخورد به دولت اسرائیل وادار نمایند. حقیقت این است که اتحادیه اروپا همواره در سمت اسرائیل ایستاده بود و ایستاده است. آنچه اروپا را وادار می‌کند که گاه و گدار زبان به انتقاد اسرائیل بگشاید نخست به علت فشار افکار عمومی مردم اروپا و جهان از یک طرف و حفظ چهره "دموکرات و بشر دوست اروپا" از طرف دیگر است. در کنار آن جلب افکار عمومی مردم عرب، نفوذ بیشتر در جنبش مقاومت فلسطین، ایجاد نفاق در آنها، نظارت و کنترل آنها و رقابت با امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه است. در ۱۹ ماه فوریه در بروکسل کنفرانسی در پی کارزار تبلیغاتی صهیونیسم جهانی برای رسیدگی به وجود افکار یهودی ستیزی در اروپا تشکیل شد. کار در سمینارهای این کنفرانس به جاهای باریک رسید، زیرا صهیونیستها هر انتقادی را نسبت به اسرائیل و از جمله نقض حقوق بشر و نقض موازین و مقررات بین‌المللی توسط اسرائیل را بعنوان یهودی ستیزی جا می‌زدند. محافل جهانی یهود از جمله رئیس کنگره جهانی یهودیان آقای ادگار برونفمن Edgar Bronfman و رئیس کنگره یهودیان اروپا آقای کوبی بناتف Cobi Benatoff اتحادیه اروپا را متهم کردند که به جریانات ضد یهودی میدان می‌دهد. زیرا یک همه پرسی در اتحادیه اروپا نشان داده است که مردم اروپا در اکثریت خود اسرائیل را خطر عمده برای صلح جهانی می‌دانند.

قلمزنان بورژوا و حامی صهیونیستها از جمله نوشتند: "نگرانی اساسی را امروز یهودی ستیزی از جانب "چپ" ایجاد می‌کند". و ادامه دادند که این یهودی ستیزی خود را در پس انتقاد به اسرائیل پنهان می‌کند و "چپهای غرب اروپا و قبل از همه آلمان و طبیعتاً فرانسه و سایر جاها به مانند سالهای ۱۹۶۸ "ضد امپریالیستی" استدلال می‌نمایند" و می‌افزاید: "اسرائیل بمثابة دست دراز شده سیاست آمریکا که طبیعتاً از جانب یهودیان آمریکا تعیین می‌شود، ظاهر می‌گردد. مبتنی بر این سنت از همان اول اسرائیل بعنوان قدرت استعماری ارائه می‌گردد... و سرانجام نتیجه می‌گیرد که این نوع برخورد به اسرائیل و نامشروع شناختن آن: "می‌کوشد از همان اول عملیات انتحاری علیه غیر نظامیان اسرائیلی را عقلانی توضیح دهد و توجیه نماید و این همان بند رابط میان یهودی ستیزی و دنیای اسلام است" (نقل از نشریه بورژوائی زود دوپچه تسایتونگ آلمان مورخ ۲۰ فوریه ۲۰۰۴).

این کارزاری است که صهیونیستها برای بستن دهان مردم در سراسر جهان توسط محافل وابسته به خود راه انداخته‌اند و حتی

نفوذشان بقدری است که اتحادیه اروپا را وادار می‌کنند با برگزاری سمینارها و کنفرانسها به این امر رسیدگی کند و به کنترل افکار عمومی بپردازد. برای آنها که زبان خارجی بلد نیستند و تنها فارسی می‌فهمند حزب کمونیست کارگری ایران را برگزیده است تا عیناً همین کلمات را بخورد خوانندگانش دهد.

سیاست صهیونیستها چیست؟ آنها می‌خواهند هرگونه انتقاد به اسرائیل از جمله انتقاد به دیوار چند صد کیلومتری میان اسرائیل و فلسطین را که با غضب و تصرف سرزمینهای اشغالی همراه است خفه کنند و رسیدگی دادگاه لاهه را در مورد ساختمان این دیوار که چند برابر مرتفعتر از دیوار برلن است و ناقض آشکار حقوق ملل می‌باشد بعنوان یهودی ستیزی جلوه دهند. اسرائیل در بوقهای تبلیغاتی خود تا می‌تواند در این زمینه می‌دمد. اینکه دولت اسرائیل حتی از جانب سازمان ملل متحد ناقض حقوق بشر، اشغالگر، سرکوبگر نامیده شده است بر کسی پوشیده نیست و حزب کمونیست کارگری هم دیگر چاره‌ای ندارد که پس از مبارزه افشاءگرانه "توفان" و برگرفتن نقاب از چهره آنها به این حقایق غیر قابل کتمان اشاره کند. آقای صابر می‌نویسد: "ما دولت اسرائیل را مذهبی، سرکوبگر، نژاد پرست و تروریست می‌دانیم. این را بارها اعلام کرده‌ایم"

ولی این اشاره صمیمانه نیست، مزورانه و مجدداً برای فریب مردم است. رهبر گمراه و کبیر این حزب که دیگر زنده نیست تا سرنوشت غم‌انگیز فرزند حرامزاده‌ای را که متولد کرده است ببیند از اسرائیل به عنوان تنها کشور "دموکراتیک" منطقه یاد می‌کرد، وی آرزو داشت که سوسیالیسم منصور حکمتی را که همان "کیبوتسهای" اسرائیلی باشند در ایران پیاده کنند. نمونه شوروری برای وی نمونه ناموفق و نمونه اسرائیلی برای وی نمونه موفق بود. وی در مقابل انتقاد به اسرائیل فوراً حکام مرتجع ممالک عربی و زندانهای آنها را به میان می‌کشید که در پرتو سیاهی اعمال آنها جنایات صهیونیستهای اسرائیلی را پرده پوشی نماید. وی اسرائیل را "متمدن" و "مترقی" جلوه می‌داد و تنها ایرادی را که به اسرائیل می‌گرفت مذهبی بودن آن بود.

پس این ادعا که ما "اینرا بارها اعلام کرده‌ایم" درست نیست، دروغ بیشرمانه است. ولی آیا حزب نامبرده حالا سیاست خویش را تغییر داده است؟ بهیچوجه.

آنها مدعی هستند که دولت اسرائیل یک دولت مذهبی است (معلوم نیست به چه علت از بکار گرفتن واژه یهودی فرار می‌کنند-توفان). اگر منظورشان از مذهب همان یهودیت باشد آنوقت باید از دولت یهودی اسرائیل سخن گفت که بعلت عمومیت سیاسی بودن ماهیت هر دولتی مالاً ماهیت دولت اسرائیل که دولتی "یهودی" است، "سیاسی" است و در بیان دیگر "یهودی سیاسی" است، و طبیعتاً بزعم تحلیل‌های حزب نامبرده نباید ماهیت آن با ماهیت دولت جمهوری اسلامی که یک دولت "اسلامی سیاسی" است فرقی داشته باشد. حال آنکه حزب نامبرده هوادار بقاء "یهودیت سیاسی" است ولی خواهان فنای "اسلام سیاسی" است. حزب نامبرده همه‌ی هم و غم خود را در خدمت مبارزه در کادر سیاست روز امپریالیسم آمریکا که مبارزه با "اسلام سیاسی" است قرار داده و بسیج کرده است ولی از زیر بار مبارزه با "یهودیت سیاسی" شانه خالی می‌کند و مردم را با ریخت و پاش کردن پاره‌ای واژه‌های بی‌مصرف و بی‌پشتوانه تسلی می‌دهد.

حزب نامبرده مدعی است که دولت اسرائیل تروریست است و ظاهراً این موضع را از روز نخست داشته و بارها بر زبان رانده است. آیا این ادعا صحت دارد؟ خیر دروغ است.

آیا حال سیاست خویش را در مورد اسرائیل عوض کرده‌اند، خیر عوض نکرده‌اند.

اگر بپذیریم که دولت اسرائیل تروریست است، جمهوری اسلامی تروریست است، طالبان تروریست است، القاعده تروریست است و... پس باید با این تروریستها بر مبنای تحلیل حزب نامبرده مبارزه قاطع و یکسانی کرد. پس بچه دلیل "تروریسم" قوم برگزیده اسرائیل خوب و "تروریسم" اسلام بد است. و حزب نامبرده همه نیروی خویش را برای مبارزه با "اسلام سیاسی"، با "تروریسم اسلامی" بسیج کرده است. این همه تناقض را چگونه می‌توان بر مبنای دانش مبارزه طبقاتی و مارکسیسم لنینیسم توضیح داد؟

کلید حل این مسئله در اعترافات این حزب نهفته است که با مفهوم صهیونیسم مخالفند. و استفاده از واژه صهیونیسم را یهودی ستیزی جا می‌زنند و این دقیقاً همان سیاستی است که محافل صهیونیستی و کنگره جهانی یهودیان در سیاست تبلیغاتی خویش در پیش گرفته است و می‌خواهند آنرا در جهان جا بیاندازند. "حزب کمونیست کارگری" در همان مسیری گام می‌زند

همان استدلالاتی را مصرف می‌کند، که کنگره جهانی یهودیان نشان داده است.

آنها برای فریب مردم مدعی می‌شوند که چون این اصطلاح مطلوب "اسلامیستها و ناسیونالیستهاست" و بار ضد یهودی دارد و "توسط چپ ستی ایران" که همان چپ ضد امپریالیست باشد بیان می‌شود، آنها از بکار بردن آن پرهیز می‌کنند و آنرا مترادف با یهودی ستیزی و اسرائیل ستیزی می‌دانند. آنها تعاریف این واژه را که حتی در تمام فرهنگهای مدون بورژوائی جهانی بعنوان یک جریان سیاسی-ناسیونالیستی-مذهبی بیان شده است و این نام، نامی است که خود یهودیان بر روی خود گذاشته‌اند، قبول ندارند.

استدلال عوامفریبانه‌ای برای حمایت از اسرائیل در نوع این بیان نهفته است. درست مانند آن می‌ماند که کسی بگوید چون از واژه سوسیالیسم، سوسیال دموکراتها، ناسیونالیستها، عرب، پاره‌ای سران ممالک افریقائی در دهه ۶۰ و ۷۰ و یا رویزونیستهای شوروی و اقمارشان سوءاستفاده کرده‌اند و می‌کنند ما از استعمال این واژه پرهیز می‌کنیم. آیا این استدلال منطقی است؟ مسلم است که نیست.

ولی مشکل "حزب کمونیست کارگری" در کجاست؟ اگر کسی به وجود ایدئولوژی صهیونیستی که ایدئولوژی حاکم بر اسرائیل است اعتقاد داشته باشد، می‌داند که صهیونیسم با یهودی بودن فرق دارد، همانگونه که مسلمان بودن با "پان اسلام" بودن فرق دارد. صهیونیسم مبنای نظری جامعه‌ایست که بر اساس مذهب یهود که ظاهراً نژادی برگزیده است بوجود می‌آید. ملتی بنام اسرائیل به معنی علمی و متعارف وجود ندارد فقط قوم یهودی از نژادها و ملیتهای گوناگون وجود دارد که حق دارد بر اساس افسانه‌های تورات به اعتبار یهودی بودن از بین‌النهرین تا فلسطین ساکن شود و زندگی کند، دولتی غیر مذهبی مرکب از یهودی و مسلمان و مسیحی و سایر ادیان بر اساس ایده صهیونیسم هرگز نمی‌تواند و نباید در فلسطین بوجود آید زیرا این امر مبانی هستی صهیونیسم را بر باد می‌دهد. باین جهت صهیونیسم نه تنها مذهبی، نژاد پرست، سلطه گر، اشغالگر، توسعه طلب، است، بلکه کشوری است که بر اساس ترور دیگران بنا شده و با ترور دیگران ادامه بقا می‌یابد. این تئوری نژادپرستانه و فاشیستی شالوده بنای دولت اسرائیل است. اگر کسی این را نفهمد قادر نیست تفاوت میان اسرائیل و یک دولت متعارف مورد قبول مسلمانان، مسیحیان و یهودیان و سایر ادیان را که بتوانند در کنار هم با صلح و صفا زندگی کنند در دو و یا یک کشور واحد، بفهمد. صهیونیستها سرپل امپریالیسم در منطقه و دست دراز شده امپریالیسم آمریکا، پایگاهی برای نفوذ امپریالیستها برای نظارت بر منطقه خاور میانه و سرکوب جنبشهای انقلابی آنجا هستند. تجاوز به عراق و نقش اسرائیل در این تجاوز، همدستی صهیونیستها با کردهای خود فروخته و همدست امپریالیسم در منطقه گواه این ارزیابی صحیح است. دولت اسرائیل فقط در شکل صهیونیستی خود می‌تواند ادامه بقا داشته باشد.

دولتی غیر صهیونیستی در منطقه که جایگاه امنی برای یهودیان باشد، و بتواند امنیت و استقلال خویش را حفظ کند، نمی‌تواند صهیونیستی باشد و بطریق اولی نمی‌تواند فقط یهودی باشد، دنیا را بر اساس مذهب تقسیم نمی‌کنند. چنین دولتی نمی‌تواند بعنوان دولت صهیونیستی به مایملک فلسطینها نظر نداشته باشد و نخواهد با نسل کشی و جنایت منطقه را از وجود فلسطینها پاک کرده تا اموال آنها را متصرف گردد.

جای تعجب فراوان است که "حزب کمونیست کارگری ایران" که در شیور دشمنی با ناسیونالیسم می‌دمد و به دشمنی با میهنپرستی افتخار می‌کند و غرور ملی را تحقیر می‌نماید و مدعی است که سراپا "ضد ناسیونالیسم و مذهب" است، ضد ناسیونال-فاشیسم اسرائیل و مذهب یهودی نیست؟!!

مگر نه اینستکه شناسائی حق ملت یهود در کسب استقلال و تعیین مرزهای جغرافیائی مشخص و معین و حق تعیین حاکمیت قومی یهود، باید با بنیاد افکار به ظاهر ضد ناسیونالیستی حزب نامبرده در تناقض قرار گیرد؟! چگونه هست که حزب شما احساسات ناسیونالیستی یهودیها را برای تشکیل یک دولت ملی یهودی تقویت کرده آنرا مترقی دانسته و از آنها حمایت می‌کنید ولی از میهن پرستی ایرانیها ابراز انزجار می‌نمائید و حالت تهوع به شما دست می‌دهد. این همه تناقض در گفتار و کردار شما بودار است.

امروزه بسیاری یهودیان شجاع در درون اسرائیل در زیر یک سلطه فاشیستی مذهبی و سیاسی برای زندگی مسالمت آمیز در کنار فلسطینها مبارزه تحسین برانگیزی می‌کنند. سربازان یهودی اسرائیلی که وجدان انسانی آنها از این همه جنایات صهیونیستها به عذاب آمده است حاضر نیستند به آدمکشی دست بزنند، این عده مسلماً در کنار جبهه جهانی ماکمونیستها و

بشردوستان و دموکراتها هستند و نه در کنار جهان وطنیهای "حزب کمونیست کارگری"، این عده به اعتبار انسانیت شان به این همه جنایت معتزضند و نه به اعتبار یهودی بودنشان.

اگر کسی دولت اسرائیل را از این منبع حیات ایدئولوژیک یعنی از منبع صهیونیسم مبرا کند طبیعتاً در تحلیلهای خود می تواند باین نتیجه برسد که در اسرائیل می تواند دولت "خوب" و دولت "بد" بر سر کار آید. سیاست دولتهای صهیونیستی اسرائیل قانونمند نیست، اتفاقی است. به آدمها بستگی دارد. دولت آریل شارون فعلاً مورد انتقاد همه قرار گرفته و در درون نیز با مخالفت روبروست پس دولت "بدی" است شکم گنده اش نیز ناشی از پرخوری و فساد مالی است و حتی "حزب کمونیست کارگری" هم می تواند اسائه ادب کرده به وی بتازد. زیرا دولت آریل شارون "نفرت قومی و مذهبی را بر خود سوار" کرده است و دولت "پرز" حتماً این "نفرت قومی و مذهبی" را پیاده و از خود دور می کند. سیاست دولت اسرائیل بر اساس نقشه "حزب کمونیست کارگری" دیگر سیاستی ماهوی، حساب شده مبتنی بر صهیونیسم و منافع امپریالیسم در منطقه نیست، بلکه به هوا و هوس این دولتمرد و یا آن دولتمرد سیاسی وابسته می گردد و طبیعتاً "حزب کمونیست کارگری" باید با این تئوریه دستش در فریب مردم باز باشد. آنها در عین اینکه "مخالف" دولت آریل شارون هستند و صهیونیسم را قلب ماهیت کرده و آنرا در سیاست و خلق و خوی دولتمردان خلاصه می کنند ولی "ما بهمان اندازه که با دولت اسرائیل...مخالفیم با تروریسم اسلامی و نفرت ضد یهود آن سر سازش ناپذیری داریم". البته هر کس که به گردش حسابگرانه قلم آگاه باشد می داند که اندازه و سنگینی واژه "مخالفت" با سنگینی بار واژه "سر سازش ناپذیر" داشتن یکسان نیست و با زور کرشمه قلم نیز نمی توان ارزش، وزن و کیفیت این دو نوع مبارزه را یکسان کرد. بی جهت هم نیست که این حزب، مبارزه صهیونیستها علیه خلق فلسطین را در خدمت صدمه زدن به یهودیان اسرائیل و ممانعت از اتحاد برادرانه یهودیان و اعراب تفسیر نمی کند، بلکه بر عکس مبارزه مداوم و چند ده ساله مردم فلسطین را که فقط به عملیات "جریانانات مرتجع اسلامی" خلاصه می کند، ضد مردم فلسطین و مانع اتحاد کارگران و مردم آزاده فلسطین و اسرائیل تفسیر می کند. آنها تساوی حقوق "مردم قهرمان فلسطین" را بر روی کاغذ و برای خالی نبودن عریضه قبول دارند ولی در عمل فقط از اسرائیل حمایت کرده و افکار عمومی را علیه "جریانانات مرتجع اسلامی" بسیج می کنند. آنها برای حمایت از سیاست اسرائیل و خشم اسرائیل از خانم شیرین عبادی که صهیونیستها را شجاعانه افشاء کرد و آبرویشان را برد برای حمله به خانم شیرین عبادی با خرج دولت اسرائیل به "اسلو" می روند و از "پروژه عبادی" افسانه‌ی سرگرمی برای تبلیغ هوادارانشان می سازند، ولی برای حمایت از خلق فلسطین حاضر نیستند در هیچ تظاهراتی بنفع این مردم شرکت کنند و در مقابل دادگاه لاهه سیاست دیوار کشی، و سیاست "آپارتاید" صهیونیستها را محکوم نمایند. این سیاست آنها، سیاست اعتراف به آنچه که مردم می دانند و ممانعت از افشاء و ماهیت مسایلی که مردم نمی دانند است. یعنی آن سیاستی که مردم باید بطور علمی بدانند تا قادر شوند مسیر تحولات آینده و سیاستهای در خدمت آن را از قبل دریابند. سیاست درستی که بر بنیای آن مردم قادر شوند با شناخت بیشتر، از مبارزه مردم قهرمان فلسطین بر علیه اشغال فاشیستی سرزمینشان حمایت کنند و در این راه همبستگی با یهودیان اسرائیلی را نیز فراهم آورند. حال ما به نقل جمله پردازیهی آقای صابر عضو دفتر سیاسی "حزب کمونیست کارگری ایران" می پردازیم تا ببینید که سیاست آنها همان سیاست گذشته متناسب با شرایط روز است. وظیفه آنها نه مبارزه با مذهب، بلکه صرفاً مبارزه با اسلام آن هم از دید صهیونیستهاست. هرگونه مبارزه با "یهودیت" بزعم آنها یهودی ستیزی است. معلوم نیست که با این استدلال به چه دلیل مبارزه با "اسلام" به "عرب ستیزی" تاویل نمی شود. ما به نقش این عده و حزب برادرشان در عراق و جاسوسی آنها برای نیروهای اشغالگر با همین منطق ضد اسلامی و نه مذهبی اشاره خواهیم کرد. حال به شیرین زبانهی آقای مصطفی صابر عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی این حزب توجه کنید.

"ما دولت اسرائیل را مذهبی، سرکوبگر، نژاد پرست و تروریست می دانیم. اینرا بارها اعلام کرده ایم. ولی صفت "صهیونیست" (حال هر معنی ای که در فرهنگ لغت داشته باشد) بیشتر اصطلاح مطلوب اسلامیت ها و ناسیونالیست ها است. بار ضد یهودی گری دارد و به نوبه خود مذهبی و نژادپرستانه است. ما با فرهنگ یهودی ستیزی و اسرائیل ستیزی (منظور مردم اسرائیل) (این اتهام را برای رد گم کردن و مرعوب کردن منتقدین به میان آورده اند-توفان) که جزو تعریف و هویت اسلام سیاسی است بشدت مخالفیم و معتقدیم چپ ستی ایران مرزبندی روشنی با آن ندارد. ما بهمان اندازه که با دولت اسرائیل و نفرت قومی و مذهبی که بر آن سوار است مخالفیم با تروریسم اسلامی و نفرت ضد یهود آن سر سازش

ناپذیری داریم. ما قویاً از حقوق مردم فلسطین برای داشتن یک دولت مستقل با حقوق برابر در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم (اما در مورد سرکوب روزانه خلق فلسطین و تصرفات قهری روزانه سرزمین فلسطین، تاراندن روزانه مردم فلسطین، خراب کردن محل سکونت آنها بر سرشان، کشتن جنایتکارانه و بی‌شرمانه زن و فرزند آنها در روز روشن و مقابل چشم دهها دوربین فیلمبرداری و عکاسی و تروریسم دولتی اسرائیل و نقض حقوق بشر و کشتار قومی یک ملت ترجیح می‌دهیم سکوت کنیم تا به نفع "اسلام سیاسی" تمام نشود، زیرا هر حمایتی از مبارزه مردم فلسطین مورد سوءاستفاده "اسلام سیاسی" است، جملات قشنگ قشنگ بی‌پشتوانه جهت حمایت از فلسطین برای خالی نبودن عریضه می‌گوئیم ولی حمایت شدید و سازش‌ناپذیر خود را از صهیونیستهای اسرائیل که قربانی بهتان شده‌اند قویاً اعلام می‌کنیم - توفان) اما بهمان اندازه جریانات مرتجع اسلامی را ضد مردم فلسطین و مانع اتحاد کارگران و مردم آزاده فلسطین و اسرائیل می‌دانیم. بکار بردن صفت "صهیونیست" دستکم این مرزبندی‌های جدی را مخدوش می‌کند.

هر کس که با الفبای سیاسی آشنا باشد می‌فهمد که روح این نقل قول صرفنظر از تفسیرهای افزوده "توفان" حمایت از اسرائیل و حمله به مردم فلسطین و دوستان جهانی آنها و انترناسیونالیسم پرولتاری است و هدفش رواج اتهام و ایجاد رعب در افشاءگران صهیونیسم اسرائیل است که گویا از "مرتجعین اسلامی" حمایت می‌کنند. آنها می‌خواهند جلوی افشاءگری نیروهای مترقی و دموکرات و انسانهای بشردوست نسبت به صهیونیستهای اسرائیلی را با چسباندن اتهام یهودی ستیزی به آنها که کارزار جدید کنگره یهودیان در آمریکا است بگیرند. حال آنکه همه می‌دانند عملیات انتحاری آخرین حربه مردمی ستم‌یاده از خانه و کاشانه بدر شده، تحقیرگشته، سرکوب گردیده، قربانی تهمت و اتهام شده، سرزمینش به غارت رفته، همه هستیش نابوده شده و تسخیرگشته است که یعدالتی بیکران و دهشتناکی را بعنوان عین عدالت با بزرگواری به وی تحمیل می‌کنند و می‌خواهند حق دفاع از خود، حق انتخاب روش زندگی و مرگ را نیز به یاری محافلی نظیر همین "حزب کمونیست کارگری" ضد ایرانی از وی سلب کنند. آنها که در اسرائیل قربانی عملیات انتحاری فلسطینیها می‌شوند، علیرغم دردناکی کشته شدن هر انسان غیر نظامی، همه و همه قربانیان سیاست صهیونیستی و امپریالیستی هستند، کمونیستها هرگز مجاز نیستند مسایل اجتماعی را انتزاعی بررسی کنند. جای علت و معلول را نمی‌شود با هم عوض کرد. متافیزیک حکمتی را نمی‌شود به جای دیالکتیک مارکس گذاشت.

"حزب کمونیست کارگری" ضد ایرانی برای اخاذی از اسرائیل این شغل "شرافتمندانه" را بعهدہ گرفته است و در مشاوره با صاحبان پول و زر و ظایف بالا را بخوبی انجام می‌دهد. و حزب ما هر روز بیشتر از روز دیگر حتی اگر به قیمت ترور رفقای ما نیز توسط "موساد" تمام شود، این راه افشای این تشکل آلوده را ادامه می‌دهد. این هنوز از نتایج سحر است.

## حزب کار ایران (توفان)

نشانی در اینترنت WWW.toufan.org نشانی پست الکترونیکی toufan@toufan.org

شماره دورنگار در آلمان ۰۶۹/۹۶۵ ۸۰۳ ۴۶